

غزلیات عطار

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری



طرح و نشر دامپون

۱۳۹۲

سرشناسه	عطار، محمدبن ابراهیم، ۹۵۳۷ - ۹۶۲۷ ق.
عنوان قراردادی	غزلیات، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	گزیده غزلیات عطار / فریدالدین عطار نیشابوری.
مشخصات نشر	تهران: طرح و نشر هامون، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۱۸۴ ص: ۱۵×۱۵ سم.
شابک	978-600-5015-21-8
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۶ ق.
شناسه افزوده	نبی پور، شهرام، ۱۳۲۷ -
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ / ۱۹ / ۵۰۲۵ PIR
رده بندی دیویی	۸ / ۱ / ۳ فا
شماره کتابشناسی ملی	۲۲۰۹۷۷۱



طبع و نشر هامون

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، مجتمع فرهنگی فروزنده
طبقه دوم، واحد ۵۰۴ تلفن: ۶۶۳۸۵۱۸ فکس: ۶۶۴۹۳۹۱۱

گزیده غزلیات عطار

انتخاب اشعار: شهرام نبی پور

ناشر: طرح و نشر هامون

شمارگان: ۵۰۰ نسخه / قیمت: اهدایی

لیتوگرافی رامین / چاپ مهارت / صحافی سعید

چاپ اول: ۱۳۹۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۵-۲۱-۸

حسن‌زینب

شرکت پردازش موازی سامان^۱ ارائه کننده سیستم جامع و یکپارچه مالی و اداری تدبیر ضمن حرکت پیوسته در مسیر شتابناک فناوری اطلاعات و به روز کردن سیستم‌ها با توجه به پیشرفت تکنولوژی و رشد نیازهای سازمان‌ها و مؤسسات، کوشیده است تا همواره گام‌هایی هر چند کوچک در راستای خدمت به فرهنگ و ادبیات فاخر این مرز و بوم بردارد.

ارائه دیوان اشعار بزرگانی چون خواجه شیراز، خیام نیشابوری، بوستان و گلستان پادشاه ملوک سخن سعدی، داستان‌هایی از شاهنامه فردوسی، گزیده غزلیات دیوان شمس و گزیده غزلیات سعدی به عنوان هدیه به کاربران گرانقدر تدبیر، نمونه‌ای از این اقدامات است. در همین راستا کتاب پیش رو نیز تقدیم دوستان می‌گردد، باشد که مقبول طبع صاحب نظران افتد.

با آرزوی بهر افزایی برای ایران و ایرانیان
مدیر عامل، بهزاد مقصودی

بهزاد مقصودی

صقده^۱



فریدالدین ابوحامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحاق عطار کدکنی نیشابوری مشهور به عطار نیشابوری (زاده ۵۴۰ در کدکن، در گذشته ۶۱۸ هجری قمری در شادیاخ نیشابور) یکی از عارفان و شاعران ایرانی بلندنام ادبیات فارسی در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم است. او در سال ۵۴۰ هجری برابر با ۱۱۴۶ میلادی در کدکن زاده شد.

نام او «محمد»، لقبش «فریدالدین» و کنیه اش «ابوحامد» بود و در شعرهایش بیشتر عطار و گاهی نیز فرید تخلص کرده است. نام پدر عطار ابراهیم کدکنی (با کنیه ابوبکر) که در شادیاخ از توابع نیشابور به شغل عطاری مشغول بوده است و نام مادرش رابعه بود. او که داروسازی و عرفان را از شیخ مجدالدین بغدادی فرا گرفته بود، به کار عطاری و درمان بیماران می پرداخت.

ویژگی سخن

عطار، یکی از شاعران بزرگ متصوفه و از مردان نام‌آور تاریخ ادبیات ایران است. سخن او ساده و گیراست. او برای بیان مقاصد عرفانی خود بهترین راه را که همان آوردن کلام ساده و بی پیرایه و خالی از هر گونه آرایش است انتخاب کرده است. اگر چه او در ظاهر کلام و سخن خود آن وسعت اطلاع و استحکام سخن استادانی همچون سنایی را ندارد ولی آن گفتار ساده که از سوختگی دلی عم چون او باعث شده که خواننده را مجذوب نماید و همچنین کمک گرفتن او از تمثیلات و بیان داستان‌ها و حکایات مختلف یکی

۱. گردآوری شده از اینترنت.

دیگر از جاذبه‌های آنار او می‌باشد، او سرمشق عرفای نامی بعد از خود همچون مولوی و جامی قرار گرفته و آن دو نیز به مدح و ثنای این مرشد بزرگ پرداخته‌اند، چنانکه مولوی گفته است:

هفت شهر عشق را عطار گشت ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایسم

درباره پشت پا زدن عطار به اموال دنیوی و راه زهد و تقوا پیش گرفتن وی، داستان‌های زیادی گفته شده است، مشهورترین این داستان‌ها، آنست که: عطار در محل کسب خود مشغول به کار بود، درویشی از آنجا گذر می‌کرد. درویش با گفتن، چیزی برای خدا بدهید، از عطار کمک خواست، اما عطار همچنان به کار خود پرداخت و درویش را نادیده گرفت. درویش از این برخورد آزرده خاطر گشت و به عطار گفت: تو که تا این حد به زندگی دنیوی وابسته‌ای، چگونه می‌خواهی روزی جان بدهی؟ عطار به درویش گفت: مگر تو چگونه جان خواهی داد؟ درویش در همان حال کشتول چنین خود را زیر سر نهاد و جان به جان آفرین تسلیم نمود. این رویداد اثری ژرف بر عطار نهاد و حال او را دگرگون ساخت به طوری که کار خود را رها کرد و راه حق پیش گرفت.

عطار پس از این ماجرا مرید شیخ رکن‌الدین اکاف نیشابوری گردید و تا پایان عمر (حدود ۷۰ سال) با بسیاری از عرفای زمان خویش هم‌سخن گشته و به گردآوری داستان‌های صوفیه و اهل سلوک پرداخت و بخشی از عمر خود را به رسم سالکان طریقت در سفر گذراند و از مکه تا ماوراءالنهر سفر نمود و در این سفرها بسیاری از مشایخ و بزرگان زمان خود را زیارت کرد و در همین سفرها بود که به خدمت مجدالدین بغدادی رسید. گفته شده در هنگامی که شیخ به سن پیری رسیده بود بهاء‌الدین محمد پدر جلال‌الدین بلخی با پسر خود به عراق سفر می‌کرد که در مسیر خود به نیشابور رسید و توانست به زیارت شیخ عطار برود، شیخ نسخه‌ای از اسرارنامه خود را به جلال‌الدین که در آن زمان کودکی خردسال بود داد.

عطار مردی بر کار و فعال بوده چه در آن زمان که به شغل عطاری و طبابت اشتغال داشته و چه در دوران پیری خود که به گوشه‌گیری از خلق زمانه پرداخته و به سرودن و نوشتن آثار منظوم و منثور خود مشغول بوده است. عطار از معدود شاعرانی است که در طول زندگی خود هرگز زبان به مدح کسی نگشود و هیچ شعرکی از او که در آن امیر یا پادشاهی را ستوده باشد، یافت نمی‌شود.

آثار

آثار شیخ به دو دسته منظوم و منثور تقسیم می‌شود. آثار منظوم او عبارت است از: ۱- دیوان اشعار که شامل غزلیات و قصاید و رباعیات است. ۲- مثنویات او عبارت است از: الهی‌نامه، اسرارنامه، مصیبت‌نامه، وصلت‌نامه، بلبل‌نامه، بی‌سرنامه، منطق‌الطیر، جواهرالذات، حیدرنامه، مختارنامه، خسرونامه، اشترنامه و مظهرالعجایب.

از میانه این مثنوی‌های عرفانی بهترین و شیواترین آن‌ها که تاج مثنوی‌های او به شمار می‌آید **منطق‌الطیر** است، این کتاب که در واقع می‌توان آن را "حماسه‌ای عرفانی" نامید، عبارت است از داستان گروهی از مرغان که برای جستن و یافتن سیمرغ - که پادشاه آنهاست - به راهنمایی هدهد به راه می‌افتند و در راه از هفت مرحله سهمگین می‌گذرند. در هر مرحله گروهی از مرغان از راه باز می‌مانند و یا به بهانه‌ای پا پس می‌کشند تا این که پس از عبور از مراحل هفت‌گانه که بی‌شمارت به هفت‌خان رستم نیست، سرانجام از این گروه فائوه مرغان که در جستجوی "سیمرغ" بودند، تنها "سی مرغ" باقی می‌مانند و چون به خود می‌نگرند در می‌یابند که آنچه بیرون از خود می‌جسته‌اند اینک در وجود خود آنهاست. منظور عطار از مرغان، سالکان راه و از "سی مرغ" مردان خدا جویی است که پس از عبور از مراحل هفت‌گانه سلوک، یعنی طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا، سرانجام حقیقت را در وجود خویش کشف می‌کنند.

یکی از معروفترین آثار منثور عطار تذکره الاولیاست که در این کتاب عطار به معرفی ۹۷ تن از اولیا و مشایخ و عرفای صوفیه پرداخته است. نمونه‌ای از نثر عطار در "تذکره الاولیاء" چنین است:

حکایتی از ذوالنون مصری: نقل است که جوانی بود و پیوسته بر صوفیان انکار کردی. یک روز شیخ انگشتی خود به وی داد و گفت: "پیش فلان نانوا رو و به یک دینار گرو کن". انگشتی از شیخ بستد و برد. به گرو ناستند باز خدمت شیخ آمد و گفت: "به یک درم پیش نمی گیرند". شیخ گفت: "پیش فلان جوهری بر تا قیمت کن". "بره دو هزار دینار قیمت کردند. باز آورد و یا شیخ گفت. شیخ گفت: "علم تو با حال صوفیان، چون علم نانا است بدین انگشتی". جوان توبه کرد و از سر آن انکار برخاست.

وفات

در مورد تاریخ وفات عطار نیز گفته‌های مختلفی بیان شده، برخی سال وفات او را ۶۱۶، ۶۱۸ و برخی دیگر ۶۳۲ اعلام می‌کنند، ولی بیشتر محققان سال وفات او را ۶۲۷ هجری قمری می‌دانند.

ماجرای مرگ عطار از غم‌انگیزترین رخدادها در روزگار است که در روان خواننده اثری دردناک به جای می‌گذارد. تذکره‌نویسان در این خصوص نگاهشده‌اند که پس از تسلط چنگیزخان مغول بر بلاد خراسان، عطار نیز به دست لشکر مغول اسیر گشت. گویند مغولی می‌خواست او را بکشد، شخصی گفت: این پیر را مکش که به خون بهای او هزار درم بدهم. عطار گفت: مفروش که بهتر از این مرا خواهند خرید. پس از ساعتی شخص دیگری گفت: این پیر را مکش که به خون بهای او یک کسه کاه ترا خواهیم داد. شیخ فرمود: بفروش که بیش از این نمی‌ارزم. مغول از گفته او خشمناک شد و او را هلاک کرد.

اما شیخ بهاءالدین در کتاب معروف خود کشکول، این واقعه را چنین تریف می‌کند که وقتی لشکر تاتار به نیشابور رسید اهالی نیشابور را قتل عام کردند و ضربت شمشیری توسط یکی از مغولان بر دوش شیخ خورد که شیخ با همان ضربت از دنیا رفت و نقل کرده‌اند که چون خون از زخمش جاری شد، شیخ عارف دانست که مرگش نزدیک است، پس با خون خود بر دیوار این رباعی را نوشت:

در کوی تو رسم سرفرازی این است	مستان تو را کمینه بازی این است
با این همه رتبه هیچ نتوانم گفت	شاید که تو را بنده‌نوازی این است